

آرشیا

9

ماهی قرمز

(مجموعه داستان)

بابک عفت دخت رمضانی

انتشارات برترین

سرشناسه	:	عفت دخت رضانی، بابک، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ارشنا و ماهی قرمز/مؤلف بابک عفت دخت رضانی.
مشخصات نشر	:	مشهد: برترین، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۸۰ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۵۸۴۷-۷۱-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فبا
یادداشت	:	گروه سنی: ب.ج.
موضوع	:	داستان‌های کوتاه
رده بندی کنگره	:	
رده بندی دیویی	:	۱۳۹۰ الف ۷۳۱/۸۲ع ۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۴۵۸۱۰۳

نویسنده: بابک عفت دخت رضانی
طراح جلد: مریم خلیج / ویراستار ادبی: زهرا کفّاش
نوبت نشر: اول / ۱۳۹۰ / یکهزار جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۴۷-۷۱-۳
چاپ: شمس (۲۲۱۹۹۱۶-۰۵۱۱)



www.BartarinBooks.com

تلفن: ۸۴۱۹۷۹۸-۰۵۱۱ / صندوق پستی: ۹۱۷۷۵-۱۱۶۱

مرکز پخش:

۰۹۳۷۴۳۴۴۵۷۵

مقدمه

«برای کودکان و فرزندان خود بخوانید و نگویید که نمی‌فهمند، زیرا هر موجودی در هر اندازه و شکلی با توجه به نیاز خویش می‌فهمد، حال اینکه هدف ما فهماندن نیست بلکه تشویق به تفکر است».

در جامعه امروزی حرف اول را اقتصاد می‌زند و برای خانواده‌ها اقتصاد و داشتن سرمایه مهم‌ترین عامل خوشبختی محسوب می‌شود، حال آنکه سرمایه و داشتن آن تنها عامل رسیدن به زندگی ایده‌آل (خوشبختی) نیست و چه بسا ثروت، خود باعث فروپاشی خانواده شود. اگر هر خانواده بخش کوچکی از زمانی را که صرف پستوانه سازی برای اقتصاد فرزندان خود می‌کند صرف روشن ساختن تنور اندیشه آن‌ها سازد، همانا تفکر و اندیشه فرزندان‌شان علاوه بر به وجود آوردن زندگی شاد برای خود و خانواده‌شان، می‌توانند سرمایه موجود را به جنبش درآورده تا هم خود به زندگی ایده‌آل رسیده و هم پلی برای رسیدن دیگران به خوشبختی شوند تا در پناه این مسیر زیبای زندگی به آرامش دست یابند و این آرامش بی شک به زندگی شما هم خواهد

آمد. پس بکوشید با خواندن داستان‌های پرمحتوا تنور اندیشه آن‌ها را روشن و در مسیر انسانیت قرار دهید.

مؤلف

www.ketab.ir

فهرست

انتخاب	۸
ستاره و جوجه فداکار	۱۰
شاپور	۱۲
آرزوی خر	۱۶
ارشیا و ماهی قرمز	۱۹
خلقت کودکان	۲۱
شکار شده	۲۶
سیاوش و فرهاد	۲۹
جبران اشتباه	۳۳
از نفس تا قفس	۳۷
تخیل زیبا	۴۰
طوقی	۴۴

انتخاب

با الله! هر که هر چیزی را که می خواهد بپوشاند، بپوشاند که ما آمدیم...

فصل کاشت بود. کشاورز برای تهیه گندم جهت کاشت به آسیاب رفت. شاگرد آسیابان کشاورز را به انبار برد و ده ها کیسه مختلف را به او نشان داد و گفت: «اولی گندم خوزستان و دومی گندم خراسان و الی آخر... هر کدام را می خواهی انتخاب کن. کشاورز تمام کیسه ها را بررسی کرد، ولی همه گندم ها یا ریز بودند و یا آفت خورده. او شاگرد آسیابان را صدا کرد و گفت: «بسم، این گندم ها به درد کاشتن نمی خورد. احتمالاً غربال آسیاب خراب شده و به جای آرد کردن گندم های ریز و نگه داشتن گندم های درشت برای کاشت، برعکس عمل کرده است.

شاگرد با چشمانی از کاسه بیرون زده فریاد زد: «خفه شو پیر خرفت! تو چه می دانی گندم خوب چیست!». تا کشاورز به خود آمد